

## تکرار، یکی از عوامل مهم زیبایی کلام و تشخیص شعر حسین منزوی

سهراب برگ‌بیدوندی\*

دکتر حسین خسروی\*\*

### چکیده

آیا تکرار از دیدگاه‌های بدیعی، بیانی، معانی، نحوی و سبک‌شناسی می‌تواند بیانگر زیبایی کلام و تشخیص شعر حسین منزوی باشد؟ با توجه به بررسی غزل‌های منزوی می‌توان گفت که استفاده از اقسام تکرار، اصلی‌ترین خصیصه شعر حسین منزوی و یکی از دلایل زیبایی کلام وی است به طوری که این خصیصه باعث تمایز و تشخیص وی از دیگر شاعران معاصر شده است. با وجود این اگر قائل به سبک شخصی برای منزوی باشیم که در آن شکی نیست، باید اولین ویژگی سبک شخصی او را تکرار فراوان دانست که در سطوح مختلف (واک، هجا، واژه، جمله، عبارت)، در شعر حسین منزوی دیده می‌شود: وی چه برای توسعه معانی و حسن تأثیر و چه برای ایجاد موسیقی و زیبایی شعر از تکرار بهره برده است. منزوی با تکرار موجی از هیجان و غم و شادی را در خواننده‌اش می‌آفریند.

### واژه‌های کلیدی

شعر حسین منزوی، زیباشناسی، انواع تکرار، غزلیات، تصدیر، جناس، خصیصه سبکی

---

\* دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، شهرکرد، ایران. (نویسنده مسؤول).

\*\* استادیار، دانشگاه پیام نور، گروه زبان و ادبیات فارسی، تهران، ایران.

حسین منزوی در مهرماه ۱۳۲۵ در شهر زنجان به دنیا آمد. او پس از تحصیلات ابتدایی و اخذ دیپلم ادبی از دبیرستان صدر جهان (منتظری فعلی) به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران رفت و در رشته زبان و ادبیات فارسی به تحصیل ادامه داد و به سرودن شعر پرداخت. وی که مدت‌ها به بیماری ریوی مبتلا بود، صبح روز چهارشنبه شانزدهم اردیبهشت در سن ۵۸ سالگی در بیمارستان شهید رجایی تهران با زندگی وداع گفت. منزوی از غزل‌سرایان معاصر ایران بود و اگرچه در قالب‌های دیگر نیز فعالیت داشت اما مهم‌ترین بخش فعالیت او در حوزه غزل است. آثار وی عبارتند از:

۱- خنجر زخمی تغزل (۱۳۵۰ خورشیدی) ۲- صفرخان (۱۳۵۸) ۳- ترجمه منظومه حیدریابا (۱۳۶۹) ۴- با عشق در حوالی فاجعه (۱۳۷۰) ۵- این ترک پارسی‌گوی (۱۳۷۲) ۶- از شوکران و شکر (۱۳۷۳) ۷- با سیاوش از آتش (۱۳۷۴) ۸- از کهربا و کافور (۱۳۷۷) ۹- با عشق تاب می‌آورم (۱۳۷۹) ۱۰- به همین سادگی (۱۳۷۹) ۱۱- از ترمه و تغزل (۱۳۷۹) ۱۲- از خاموشی‌ها و فراموشی‌ها (۱۳۸۱)

تکرار واژه و جابه‌جایی آن در ساختار متن، یکی از عواملی است که موجب غرابت بخشیدن به زبان شعری می‌شود و از سوی دیگر تکرار آگاهانه توسط شاعر، باعث افزایش موسیقی کلام و القای معنی مورد نظر شاعر به خواننده می‌گردد. منزوی با استفاده از این فن توانسته پیوندی ناگسستنی میان الفاظ و معانی ایجاد نماید. هم‌چنین هدف منزوی از تکرار کلمه بزرگ‌تر نشان دادن زمینه تصویر است و از آن به عنوان نیرویی برای بیان مفهومی استفاده می‌کند که زبان از بیان آن به ستوه آمده است.

### تاریخچه تکرار

در شعر و نثر قرن چهارم همچون زبان پهلوی، تکرار قسمتی از یک جمله در جمله یا جملات بعد معمول و متداول است و امری عادی به شمار می‌رود. این ویژگی از قرن پنجم به سرعت رو به کاهش می‌گذارد و در قرن ششم کاملاً از بین می‌رود و نویسندگان و شاعران به شدت از آن پرهیز دارند و سعی می‌کنند با استفاده از مترادفات یا کاربردهای مجازی مرتکب تکرار نشوند. (خسروی، ۱۳۸۹، ۸۸) رودکی در دو بیت نخست قصیده «پیری» هفت بار فعل «بود» را به کار برده است:

مرا بسود و فرو ریخت هر چه دندان بود      نبود دندان لا بل چراغ تابان بود  
سپیده سیم زده بود و دُر و مرجـان بود      ستاره سحری بود و قطره باران بود

(رودکی، ۱۳۸۲: ۶۹)

تمامی آنچه که آرایه‌های لفظی خوانده می‌شود، در حقیقت گونه‌ای از تکرارهای هنری یا واج‌آرایی است، زیرا وجه مشترک همه آنها چیزی جز آرایه تکرار نیست که منزوی با شگردهای خاصی آنها را در گونه‌های متنوع به کار برده است.

### هدف تحقیق

هدف از انجام این پژوهش پاسخ به این پرسش اساسی است که آیا بسامد بالای کلمات می‌تواند باعث تشخیص و تمایز سبک شخصی حسین منزوی شود؟ در واقع دست یافتن به این پرسش بدین معنا است که بسامد بالای کلمات می‌تواند بیانگر سبک شخصی باشد. به گونه‌ای که بسامد برخی کلمات خاص در شعر برخی شاعران چنان چشم‌گیر است که خواننده یا شنونده بی‌آن که گوینده آن را بشناسد، می‌تواند حدس بزند که شعر از کیست. در واقع این کلمه‌های کلیدی شاعر به شمار می‌آید که به طور نسبی در شعر او بیشتر جلوه می‌کند تا در شعر دیگر شاعران. این حالت علاوه بر بسامد واژه، می‌تواند در

باره موضوع و مفهومی خاص - که شاعران بر آن تأکید یا نسبت به آن تعلق دارند - نیز دلالت کند.

### روش تحقیق

روش تحقیق تحلیلی - آماری است. در این جستار برای پاسخ به پرسش فوق (هدف تحقیق) کوشش شده است غزلیات حسین منزوی، که از نمایندگان غزل معاصر است، بازنشاسی و اشعاری که در آنها پدیده تکرار هست، استخراج شود. آنگاه با عنایت به موضوع اصلی پژوهش، به بررسی و تحلیل ابیات مستخرج پرداخته شود و هر بخش (بدیع، بیان، نحو و سبک‌شناسی) به صورت جداگانه و دقیق با وجود شواهد شعری در قالب نمودار طبقه‌بندی گردد و با بهره‌گیری از منابع موجود و دریافت‌های شخصی به تحلیل این پژوهش پرداخته شود. اما قبل از هر چیز یادآوری این مطلب ضروری است که به عمد، جهت رعایت اختصار از آوردن نمونه‌های شعری زیاد یا شماره صفحات ابیات مورد نظر، پرهیز کرده‌ایم. این کم بودن نمونه‌ها را نباید به حساب کم بودن کاربرد آنها در شعر منزوی گذاشت.

### بحث و بررسی

هر خواننده‌ای که با دقت و تیزبینی، بخشی از اشعار منزوی را از نظر بگذراند، فوری متوجه می‌شود که در شعرهای او، پیوسته با صورت‌های مکرری روبه‌رو می‌شود. صورت‌های مختلفی که از سطح کلمه شروع می‌شود و تا سطح کلام ادامه می‌یابد. تکرار در شعرهای وی دلایل مختلفی دارد. از بین این دلایل می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱- ثابت بودن قسمت‌های عمده موتیوهای شعر او مانند عشق، عاشق، بوسه، بهار، خزان، چشم و ...

۲- رابطه عاطفی شاعر با برخی از کلمات مانند دریا، مست، زلف، گل و ...

۳ - حجم بالای غزل‌ها. (۴۳۶ غزل)

البته با شگردهایی که منزوی در آستین دارد، پیوسته در تلاش است تا دنیای مکرر شعرهای خود را در چشم‌بینندگان، تازه و تر گرداند و شکل جدیدی به آنها ببخشد.

اما به صورت کلی شکل‌های مختلف تکرار در شعر منزوی، در این موارد خلاصه می‌شود:

الف) تکرار یک کلمه یا ترکیب خاص

ب) تکرار جمله

ج) تکرار یک مصراع کامل

د) تکرار جفت‌های گردان

این نکته نیازی به اثبات ندارد که دایره کلمات در شعر منزوی زیاد است و مرزی بین کلمات ادبی و عامیانه وجود ندارد و ایشان هر وقت احساس کند که نیازی به کلمه‌ای هست، بی‌پروا آن را در شعر خود به کار می‌برد.

کلمه مهم‌ترین ابزار شعر است و گرچه کلمات از پیش ساخته و مهیا هستند، گزینش و تألیف آنها بر عهده شاعر است و اتفاقاً یکی از عواملی که شعر را به منزله هنر زیبا و دلنشین عرضه می‌کند، به گزینش و تألیف کلمات وابسته است. (عمران‌پور،

۱۳۸۸: ۶۷)

نام دیگر این آرایه توزیع است و در «دره نجفی» در باره آن چنین آمده است: «این صنعت چنان است که متکلم وزع نماید

حرفی از حروف تهجی را در هر کلمه، یعنی ملزم شود که حرف معینی را در کلمه بیاورد. (میرزا آقا سردار، بی تا: ۱۳۴)

در ابتدا این مقوله از دید بدیعی و زیباشناسی بررسی شده است. در حوزه صناعات لفظی، تکرار کلمه مبتنی بر آرایه‌هایی

است چون تصدیق و انواع آن، تکرار پراکنده واژه‌ها، جناس، موازنه، طرد و عکس، تسمیط، سؤال و جواب، ردالقافیه و... که عموماً می‌توان آن را صنعت «تکرار» خواند.

## ۱- انواع تصدیق

۱- هم‌آغازی ۲- تصدیق مصرعی ۳- تشابه‌الاطراف ۴- ردالعجز الی‌الصدر ۵- ردالصدر علی‌العجز

### ۱-۱- هم‌آغازی

در شعر منزوی نوعی از تکرار دیده می‌شود که شاعر کلمه یا کلماتی یا عبارت یا جمله‌ای را در آغاز مصراع‌ها، بیت یا ابیات تکرار کند که می‌توان بدان هم‌آغازی گفت. شاعر به جای آنکه واژه یا عبارتی را جایگزین کند از همان واژه یا عبارت قبلی استفاده می‌کند و این خود نشان ساده و بی‌تکلف بودن متن است. منزوی به تکرار کلمات در آغاز مصراع‌ها یا بیت‌ها توجه خاصی دارد که گاه مانند واژه «دوباره» سویه عاطفی دارد. هم‌آغازی یکی از پربسامدترین آرایه‌های منزوی است. شاعر این نوع تکرار را برای ایحاد وحدت بین ابیات خود استفاده می‌کند:

دوباره راه غنا می‌زند ترانه \_\_\_\_\_ دوباره می‌شکفتد شعر عاشقانه \_\_\_\_\_ من  
دوباره می‌گذرد بعد از آن سیه طوفان \_\_\_\_\_ نسیم پاک نوازش، بر آشیانه \_\_\_\_\_ من

(منزوی، ۱۳۸۷: ۳۰)

گاهی هم‌آغازی با روشی خاص در بیتی تکرار می‌شود که تکراری بسیار اثرگذار است مانند «فصل» در بیت زیر که عشق و شور شادی را نمایان می‌سازد. علاوه بر این، تکرار واژه می‌تواند باعث ایجاد معانی و مضامین تازه در شعر شود، زمانی که واژه یا جمله‌ای در یک یا چند بیت به صورت متوالی تکرار می‌شود، مضامین و مفاهیم جدید متناسب با آن در ذهن شاعر یا نویسنده به وجود می‌آید. مثلاً شاعر با تکرار واژه «فصل» به کلمات و معانی جدیدی دست یافته است: مانند: عطر، سبزه، گل‌های بوسه، جوانه، خیابان‌های شوخ مهربانی و تماشای قشنگ شاعرانه.

فصل فصل توست دیگر، فصل فصل ما \_ من و تو فصل عطر و فصل سبزه، فصل گل، فصل جوانه  
فصل رفتن در خیابان‌های شوخ مهربانی \_ فصل \_ \_ \_ \_ \_ ماندن در تماشای قشنگ شاعرانه  
فصل چیدن گلها \_ چیدن گل‌های بوسه \_ از بهار و از زلف تو \_ خوشه، خوشه، دانه، دانه

(همان: ۳۱)

### ۱-۲- تصدیق مصرعی

نوع دیگر تصدیق آن است که واژه‌ای در ابتدا و انتهای مصراع تکرار شود:

مست از تو شد هرآینه دریا که مست شد ای شط ملتقای تمام شراب‌ها

(همان: ۶۲)

### ۱-۳- تشابه‌الاطراف

نوع دیگر تصدیق آن است که در انتهای مصراع اول و ابتدای مصراع دوم تکرار شود. در صفحات ۱۴۱ تا ۱۴۹ «دره نجفی» آمده است که «تشابه‌الاطراف» آن است که سجع یا قافیه‌ای که در پایان جمله یا شعر آمده، همان را در آغاز جمله یا مصراع بعد بیاورند. (میرزا آقا سردار، بی‌تا: ۱۴۹-۱۴۱)

با همیشه دردانه می پیچید به گرد ساقه‌ای ساقه زان همبستگی احساس جرأت می کند

(مجموعه اشعار، منزوی: ۱۵۷)

اگر نمونه‌های یاد شده از غزلیات منزوی را با نمونه‌های زیر که در «دره نجفی» برای تشابه‌الاطراف آورده مقایسه کنیم، به تفاوت فراوان این نمونه‌ها از نظر هنری و روانی کلام پی خواهیم برد و توانمندی و چیرگی منزوی بر زبان، بیشتر روشن خواهد شد:

دوباره باد بهار، به بـــــاغ شد پی سپـــــار  
به باغ شد پی ســـــپار نسیمی از هر کنار

(میرزا آقا سردار، بی تا: ۱۴۹-۱۴۱)

#### ۱ - ۴ - ردالْعجز الی الصدر

دکتر میرجلال‌الدین کزازی این نوع از تصدیر را «بن سری» خوانده است. (کزازی، ۱۳۸۹: ۲۷۳) از صفت‌های پسندیده بلاغت «ردالصدر الی العجز» است. (وطواط، ۱۳۶۲: ۱۷) «آن است که لفظی در اول بیت و جمله نثر آمده است، همان را به عینه با کلمه متجانس آن در آخر بیت و جمله نثر باز آرند». (همایی، ۱۳۷۱: ۶۷). مانند:

امشب به رمز بزرگ ره‌ایی رسیدم  
آزادم از هر چه غیـــــر از تو، آزاد، امشب

(منزوی، ۱۳۸۷: ۳۷)

می توان گفت با کارکردهای مختلفی قابل بررسی است یا نشان‌دهنده تکیه و تأکید است یا توجه شاعر بر موضوع و معنی مکرر و یا به ایجاد نوعی ریتم و انسجام ساخت شعر کمک می کند.

#### ۱ - ۵ - ردالصدر الی العجز

نوع دیگر تصدیر این است که واژه‌ای در انتهای بیت اول و ابتدای بیت دوم تکرار شود که بدان «ردالصدر الی العجز» گویند:

چه گرمی، چه خوبی، شرابی، چه هستی؟  
بهدـــــاری، گلی، ماهتـــــابی، چه هستـــــی؟  
چه هستی که آتش به جانم کشیـــــدی؟  
سرود خوشـــــی؟ شعر نابی؟ چه هستی؟

(منزوی، ۱۳۸۷: ۵۷)

گاهی اوقات دیده می شود که مصراع یا عبارت تکرار شونده در سطح شعر، در پایان شعر هم دیده می شود که این نوع علاوه بر تأکید و برجسته‌سازی آن، خواننده را با نوعی رهاشدگی در معنا روبه رو می سازد و ذهن او را به تفکر بیشتر در مورد آن عبارت وامی دارد. این تکرار باعث حرکتی دورانی در شعر نیز می شود و مخاطب را به صورت غیرمستقیم به آغاز شعر ارجاع می دهد و از او می خواهد تا برای درک عمیق تر شعر، آن را دوباره بخواند. (نیکبخت و بیرانوندی، ۱۳۸۳: ۱۳۸)

ای دل من سر مزن بر سینه این چنین ناشکیبا  
لحظه‌ای، دیوانه جان، آرام بنشین خواهد آمد  
خواهد آمد، خواهد آمد، آری اگر نیاید  
باز سقف آســـــمان پایین خواهدـــــد آمد

(منزوی، ۱۳۸۷: ۶۱)

نوع تصدیر	بسامد ابیات	درصد
هم‌آغازی	۱۵۱ بیت	۳۹/۱۱
تصدیر مصراعی	۵۱	۱۳/۲۱
تشابه الاطراف	۸۴	۲۱/۷۶
ردالعجز الی الصدر	۶۴	۱۶/۵۸
ردالصدر الی العجز	۳۶	۹/۳۲
جمع کل	۳۸۶	٪۱۰۰

## ۲- نوع دوم: نمونه‌های دیگر تکرار در واژه

### ۲-۱- تکرار سه باره کلمات:

گاهی اوقات در یک بیت، کلمه، سه بار تکرار می‌شود. تکرار سه باره واژه در یک بیت بیشتر برای پرکردن وزن و ایجاد آهنگ می‌آید. مانند کلمه «دست» در بیت زیر:

بگذار دست راز دستم را بدانند بی هیچ پروایی که دست عشق با ماست

(همان: ۲۲)

### ۲-۲- تکرار واژه با حرف عطف یا اضافه

گاهی اوقات شاعر کلمات را پشت سر هم با «حرف اضافه یا عطف» تکرار می‌کند:

بازو به بازوی هم در خیابان روانییم با چیزی از عشق در زیر باران روانیم

(همان: ۶۸)

تکرار واژه «بازو» و کلماتی از این دست، بار عاطفی شعر را دو چندان می‌کند و سخن را نیز آهنگین ساخته است.

### ۲-۳- تکرار دوباره کلمات

گاهی اوقات کلمات تکراری در قالب آرایه تصدیر به کار نمی‌روند یا در پی یکدیگر نمی‌آیند، بلکه یک واژه در یک بیت دو بار به صورت پراکنده به کار می‌رود و هدف شاعر تأکید معنایی نیست. این نوع تکرار در بسیاری از ابیات منزوی مشهود است. گاهی تأکید ورزیدن بر انتقال یک احساس، موجب ایجاد تکرار می‌گردد، بدین گونه که شاعر برای القای ذهنیات خود به مخاطب، دست به تکرار واژه یا عبارت می‌زند، آنچه مسلم است این است که تلقین و تکرار، عواطف زودگذر، بلکه اعتقادات دیرپای مقاوم را در ذهن‌ها رسوخ می‌دهد و تثبیت می‌کند. (متحدین، ۱۳۵۴: ۵۰۹) تکرار از قوی‌ترین عوامل تأثیر است و بهترین وسیله‌ای است که عقیده یا فکری را به کسی القا می‌کند. (علی‌پور، ۱۳۷۸: ۸۹)

شود تا ظلمت از بازی چشمت چراغانی مرا دریاب ای خورشید در چشم تو زندانی

(منزوی، ۱۳۸۷: ۲۷)

### ۲-۴- قرار گرفتن واژه مکرر درون واژه مرکب

از صورت‌های گوناگون تکرار در غزل منزوی قرار گرفتن واژه تکراری درون کلمات ترکیبی است. نظیر واژه «بار» در درون

واژه مرکب سبک‌بار در بیت زیر:

بارت که فلک نیز نیار ست کشیــــــدن      من می‌برم ای عشق سبک بار به خانه

(منزوی، ۱۳۸۷: ۸۵)

## ۲-۵- تکرار کلمات مشابه در دو بیت

گاهی اوقات کلمات مشابه در دو بیت تکرار می‌شود:

دریای شورانگیز چشمـانت چه زیبـاست      آنجا که باید دل به دریا زد همین جاسـت  
در من طلوع آبی آن چشم روشـن      یادآور صبح خیهــــال انگیهــــز دریاست

(همان: ۲۲)

چنان‌که می‌بینیم واژه «دریا» در مصراع اول، دوم و پایان مصراع چهارم تکرار شده است و نیز واژه «چشم» دو بار تکرار شده است. «دریا» در یک بیت به شکل بسیط و در بیت دیگر درون ترکیب کنایی جای می‌گیرد. تکرار واژه «دریا» در ترکیب کنایی «دل به دریا زد» هم‌چنین آفریدن تصویرهای زیبایی مانند: «طلوع آبی چشم و صبح خیال‌انگیز دریا» شاعر با این تصاویر به صورت تشبیه مضمیر چشم آبی معشوق را به دریای آبی تشبیه کرده است.

در انواع تکرار که یکی از انواع بنیادین در شعریت شعر است (وحیدیان‌کامیار، ۱۳۸۳، ۱۸) به طور کلی می‌توان گفت تکرار در سطح واژه، باعث انتقال سریع مفهوم آنها می‌گردد.

نمونه‌های دیگر تکرار در واژه	بسامد ابیات	درصد
تکرار دوباره کلمات	۱۳۵	۴۲/۴۵
تکرار واژه با حرف عطف یا اضافه	۸۱	۲۴/۴۷
تکرار کلمات مشابه در دو بیت	۴۵	۱۴/۱۵
تکرار سه پاره کلمات	۳۹	۱۲/۲۶
قرار گرفتن واژه مکرر درون واژه مرکب	۱۸	۵/۶۶
جمع کل	۳۱۸	٪۱۰۰

## ۳- انواع جناس

یکی دیگر از روش‌های افزودن موسیقی کلام در غزل‌های منزوی، تکرار واژه به صورت جناس است. جناس‌هایی به کار رفته در غزل‌های منزوی هیچ‌گونه تکلف و تصنعی در شعر به وجود نمی‌آورد. در اینجا تمام جناس‌های غزل‌های منزوی به صورت آماری مطالعه شده است. نتایج نشان می‌دهد نزدیک به سه چهارم جناس‌های منزوی، جناس زاید، مضارع و مکرر است و ایشان به ندرت از جناس تام، ناقص، خط و مرکب استفاده نموده است. گفتنی است در میان جناس‌های غزل منزوی به جناس‌های کلیشه‌ای غزل سبک عراقی برمی‌خوریم. مانند: کمین و کمان، آستین و آستان، مستان و میستان، زمین و زمان. یا جناس‌های نو و مبتکرانه خلق نموده است مانند: مدیر و مدار، تُنگ و تنگ. یکی دیگر از شگردهای ایشان ترکیب جناس با آرایه تکرار و واج‌آرایی است. مانند: «جان و جانا». جان در بیت زیر چند بار تکرار شده و باعث زیبایی دوچندان کلام شده است:

خانه بی‌جان ز تو جان یافته، جانا نه عجب      گر همه من جان نشوم بر اثر آمدنت

(منزوی، ۱۳۸۷: ۸۶)

در این تحقیق جهت ارایه آمار دقیق، کلیه غزلیات حسین منزوی بازخوانی شد و نزدیک به ۲۸۸ بیت که دارای جناس‌های مشهود و مشخصی بودند، یافت شد.

### ۳-۱- جناس تام

اسیر سر به هوایی شدم، هم از تو بتر      اگر هوای یکی چون تو را به سر دارم

(منزوی، ۱۳۸۷: ۲۶۹)

### ۳-۲- جناس ناقص

غمت را بزرگ دید دلم بس که تنگ شد      نگنجد دیگر به تنگ، که ماهی نهنگ شد

(همان: ۴۳۱)

### ۳-۳- جناس زاید

آن است که متجانس از دیگری به حرفی زیادت باشد: (رازی، ۱۳۶۰: ۳۴۰)

در سروده‌های منزوی جناس زاید است که با کلمات متجانس مفاهیم زیبایی نیز آفریده است و خود انواعی دارد:

#### الف) واک افزوده در آغاز:

چه شب بدی است امشب که ستاره سو ندارد      گل کاغذی شب‌بو که بهار و بو ندارد

(منزوی، ۱۳۸۷: ۱۴۴)

#### ب) واک افزوده در میان قرینه‌ها:

یا در ره صبـحند شهـیدان و در این راه      دژخیم به کین است و کمانش به کمین است

(همان: ۹۵)

#### ج) واک‌های افزوده در پایان:

ای گیسوان رهای تو از آبشاران رهاتر      چشمانت از چشمه‌ساران صاف سحر با صفاتر

(همان: ۲۳)

شاعر در بیت فوق به زیبایی هم جناس بدیعی میان دو واژه پدید آورده، و هم تصویری که با کمک کلمات ساخته، تأثیرگذار است. کلمات «گیسوان، آبشاران، چشمان، چشمه، صاف و صفا» با تناسب زیادی که با تصویر دارند، تجسم واقعه را عینی و ملموس‌تر ساخته‌اند:

خانه بی‌جان ز تو جان یافته، جانا نه عجب      گر همه من جان نشوم بر اثر آمدنت

(همان: ۷۸)

در بیت فوق، علاوه بر جناس زاید، واج‌آرایی در حرف «جیم» و «الف» هم به کار رفته است که باعث افزایش موسیقی درونی شعر شده است.

### ۳-۴- جناس مضارع و لاحق

هرگاه دو لفظ در یکی از حروف مختلف باشد، در این صورت چنانچه دو حرف مختلف‌فیها قریب‌المخرج باشند، جناس را مضارع نامند و هرگاه قریب‌المخرج نباشند، جناس لاحق گویند. (رجایی، ۱۳۵۹: ۴۰۱) واک‌ی که در دو سوی جناس متفاوت



است ممکن است در آغاز باشد یا میان یا واک پایانی که آن را جناس مطرف خوانده‌اند.

#### الف) تفاوت در واک نخستین

ای همه دستان ز تو مستی مستان ز تو هم رمز میستان همه تو راز نیستان همه تو

(منزوی، ۱۳۸۷: ۶۵)

#### ب) تفاوت در واک میانی

عشق گاهی زندگی ساز است و گاهی زندگی سوز تا پری—زاد من از بهر کدامین خواهد آمد

(همان: ۶۱)

بیت بالا که بیتی از غزلیات اثرگذار و عاطفی منزوی به شمار می‌رود نمونه‌ای از توانایی او در سرودن سروده‌های فوق‌العاده و تأثیربرانگیز است. ابیاتی که به نظر می‌رسد منزوی هنگام سرایش آنها در بی‌خودی و دردی شگرف به سر می‌برده است و به بازی زبانی توجهی نداشته است. با وجود این، حتی به گونه‌ای ناخودآگاه، باز هم در این موارد، زیبایی‌های ویژه‌ای را می‌توان در کلام این شاعر دریافت. برای نمونه در همین بیت میان «سوز و ساز» جناس شبه اشتقاق هست. افزون بر این تصویر ساخته شده در این بیت محسوس، عینی و نمایشی است.

#### ج) تفاوت در واک پایانی یا مطرف

تشنه‌ام به عزای چراغ مرده خود بیا که سوک مرا، ای ستاره سور کنی

(همان: ۲۵)

### ۳- ۵- جناس مکرر

جناس مکرر گونه خاصی از جناس نیست، بلکه زمانی که قرینه‌ها کنار یک دیگر قرار گیرند، آن را مکرر خوانند. پس جناس‌هایی که پشت سر هم قرار گرفته‌اند می‌توانند جناس مکرر نیز به حساب آیند و اتفاقاً این شیوه مختص منزوی است. در بیت زیر با دو ترفند جداگانه، چهار واژه به صورت جداگانه در پی هم تکرار شده است:

تو هوای عطری از صحرای دور آرزویی از تو سنگین شهر ذهنم، کوچه کوچه، خانه خانه

(همان: ۳۱)

خانه خانه یعنی همه خانه‌ها یا کوچه کوچه یعنی همه کوچه‌ها، اما شاعر این نوع کاربرد را جایگزین ساخته تا از تکرار واژه کوچه و خانه برای آهنگین ساختن شعر خود استفاده کند. هدف شاعر از این نوع تکرار دیداری کردن تصویر است. تصاویر ساخته شده در شعر و تخیل شاعر، به مدد تکرار در ساختار زبانی شعر، به نمایش درمی‌آیند. عمده این تصاویر، آنهایی هستند که ملازم حرکت و پویایی هستند، از این رو برای این که تصویر جنبه دیداری پیدا کند، با برش‌هایی که بین اجزای جمله ایجاد گردیده، آن اجزا را به صورت مکرر می‌نویسند. (روحانی، ۱۳۹۰: ۱۶۴)

### ۳- ۶- اشتقاق و شبه اشتقاق

آنچه در کتاب‌های بدیع اشتقاق خوانده‌اند، عبارت است از آوردن الفاظی که هم‌ریشه‌اند یا واک مشابه آنها چندان زیاد است که گمان می‌رود هم‌ریشه باشند. با اندکی درنگ روشن می‌شود که این آرایه به جز آرایه واج‌آرایی و تکرار چیزی نیست، چون شاعران با تکرار، واج‌های خود شعر را می‌آرایند:

یا در ره صبح‌اند شهیدان و در این راه دژخیم به کین است و کمانش به کمین است

(منزوی، ۱۳۸۷: ۹۵)

### ۳-۷- جناس لفظ

با هفت‌خان این تو به تویی نیست شاید ما گمشده در وادی هفت‌سواد خوانیم

(همان: ۳۹۳)

### ۳-۸- جناس خط

در جنگ سرنوشت، دمی صحبت تو را چنگ روزگار، غنیمت گرفت‌هام

از (همان: ۱۶۳)

### ۳-۹- جناس قلب

بی‌گمان بازی با شکل نوشتاری کلمات را می‌توان از شگردهای شگرف منزوی در اشعارش به شمار آورد:

قامت سیاه عشق ورق پاره من هم رو سفید دفتر سودا از این سواد

(همان: ۱۶۵)

### نمودار کلی انواع جناس

انواع جناس	بسامد ابیات	درصد
جناس مکرر	۱۱۶	۴۰/۲۷
جناس زاید در اول و وسط و آخر	۹۱	۳۱/۵۹
جناس مضارع در اول و وسط و آخر	۶۱	۲۱/۱۸
جناس اشتقاق و شبه اشتقاق	۹	۳/۱۲
جناس تام	۷	۲/۴۳
جناس قلب	۱	۰/۳۴
جناس مرکب	۱	۰/۳۴
جناس ناقص	۱	۰/۳۴
جناس خط	۱	۰/۳۴
جمع	۲۸۸	٪۱۰۰

### ۴- طرد و عکس

این آرایه مانند قلب است با این اختلاف که در آرایه قلب، واک یک واژه جابه‌جا می‌شود، حال آن که در طرد و عکس

کلمات یک جمله و عبارت، جابه‌جا می‌شوند که می‌توان این آرایه را گونه‌ای از تکرار نامید:

ز گونه و لب تو، بوسه بر کدام زخم که خوش تراست از آن این، این از آن خوش‌تر

(همان: ۱۸۴)

گاه شاعر در کنار استفاده از مختصات مخصوص به خود که منجر به ایجاد سبک شخصی می‌شود، چند مختصه را با یک‌دیگر ترکیب کرده و بدین ترتیب ضمن ساختن بیت خود، مختصه‌ای به نام تلفیق به وجود آورده است. در شعرهای ایشان می‌توان تلفیق (استفاده از چند صنعت بدیعی) چند مختصه مشخص را مشاهده کرد. (محمدی، ۱۳۹۴: ۳۳۵) به عنوان نمونه با اندکی درنگ در بیت یاد شده می‌توان گوشه‌ای از این هنر را دید: تناسب در گونه، لب و بوسه. تصدیر در واژه خوش‌تر، طرد

و عکس در مصراع دوم، تجاهل العارف در مصراع اول، تکرار کلمات آن و این و از آرایه طرد و عکس در ۲۳ بیت به کار رفته است.

##### ۵- واج آرایه: (هم حروفی و هم صدایی)

تکرار حرف، این نوع تکرار را در بدیع «واج آرایه یا نغمه حروف» می نامند. شاعر با این شیوه، آگاهانه موسیقی می آفریند و بر حسن تأثیر، تصویرآفرینی و القای حس و حال می افزاید. البته موسیقی برخاسته از واج آرایه «صامت‌ها» محسوس تر است و مثال‌های بیشتری برای آن می توان یافت:

تکرار «ش» هفت بار، تکرار «س» سه بار

بخوانم تا کتاب عشق را در روشنی‌هایش چه کس شمع شبستان سیاهم می شود امشب

(منزوی، ۱۳۸۷: ۳۱۱)

تکرار زیاد حرف «شین» و «س» و قرار گرفتن مکرر آنها در کنار هم موسیقی دوری بیت را پرورانده و پیوندهای هنری و معنایی کلمات صورت و معنای آن را در هم تنیده است و همچنین می تواند روشنائی، تاریکی و سیاهی شب را به ذهن متبادر کند و نیز با شور و غوغا و آشوب درونی گوینده هم خوان است.

تکرار «س و ص» چهار بار و «الف» هفت بار

به خیره گوش مخوابان از این سوی دیوار صدای سمنندان شهسواران را

(همان: ص ۲۹)

مصوت «ا» شکوه، عظمت، هیبت و آزادگی را می رساند و برای کشش کلام و ایجاد آهنگی باوقار و با طمأنینه به کار می رود. هشت بار تکرار مصوت بلند «ا» صدای پای اسب پادشاهان را به صورت بسیار مستحکم به ذهن متبادر می کند.

تکرار «د» پنج بار و «ق» چهار بار و «الف» نه بار

دوباره دیدنت ای جان معاد موعود است قیام قامت قدیمی است قیامت من

(همان: ۶۴)

با عنایت به این که حرف «د» از حروفی است که تلفظ آن قدری با سکون همراه است و تکرار این حرف به خواننده هنگام خواندن شعر کمک می کند تا در مضمون و مفهوم شعر درنگ بیشتری کند که با مقصود شاعر هم خوان است.

تکرار «س» پنج بار، تکرار «ه»، «ز»، «ت»، «ن»، و «و» چهار بار

ای همه دستان ز تو مستی مستان ز تو هم رمز میستان همه تو راز نیستان همه تو

(همان: ۶۴)

با تکرار پنج حرف «سین» که شباهت زیادی با دندان دارد و حرف «ز» شوری شگرف در بیت ایجاد کرده و بدین منوال عشق و علاقه خود را به معشوق ابراز نموده است.

در بیت زیر تکرار واکه «آ» که با توصیف اندیشه‌ها و احساساتی در تناسب است که در زمان تجلی آن صدا اوج می گیرد. (قویمی، ۱۳۸۳: ۳۳) می تواند گویای حسرت برآمده از نهاد شاعر باشد و حال و هوای حسرت‌بار شاعر را در زمینه ساختاری و محتوایی تداعی کند.

ای دور مانده از من ناچار و ناسزاوار  
آن سوی پنج خندق، پشت چار دیوار  
سنگی شده است و با من تندیس وار مانده است  
آن روز آخرین وصل، آن وصل آخرین بار

(همان: ۳۳۶)

بین تنهایی و من راز بزرگی است  
هم از آن گونه که در بیمن تو و زیبایی

(همان: ۳۳۶)

حرف «ن» که اصوات ناشی از ناخشنودی و عدم رضایت را تداعی می‌کند. (قویمی، ۱۳۸۳: ۴۹) در ابیات زیر تکرار شده است، تکراری که چون در زمینه متناسب از کلمات حسرت‌بار نمود یافته است می‌تواند القاگر شاعر از نارضایتی‌های حسرت‌بار جامعه‌اش باشد.

این نه آب روان پای درختان، دیگر  
جو به جو، خون شهیدان عزیز، چمن است  
وان چه در جنگل از اطلال و دمن می‌بینی  
مدفن آن همه جان بر کف خونین کفن است  
بی‌نیازند ز غسل و کفن، اینان را غسل  
همه از خون و کفن، همه از پیـــــرهن است

(منزوی، ۱۳۸۷: ۳۴۴)

گفتنی است بهره‌گیری شاعر از این آرایه، هنگامی مطلوب خواهد شد که این کاربرد با فضا و ساختار بیت و سروده هماهنگ باشد و شاعر به قدری طبیعی از آن بهره گرفته باشد که خواننده را تحت تأثیر زیبایی سروده خود قرار دهد، نه این که او را دل‌زده کند. در شعر فارسی نمونه‌های دلکشی یافت می‌شود که در یک بیت، یک حرف بیش از حروف دیگر تکرار شده و البته این تکرار با بافت کلی شعر هماهنگ است. برای نمونه یک بیت از حافظ در این جا ذکر می‌شود:

رشته تسبیح اگر بگسست معذوم بدار  
دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساق بود

(حافظ: ۲۰۵)

تکرار زیاد حرف «سین» و قرار گرفتن مکرر آنها در کنار هم می‌تواند رشته تسبیحی را به یاد آورد و همچنین تکرار، نه حرف «سین» و «ز» صدای سوتک فرهاد را به هنگام تسبیح گویی به گوش می‌رساند. (محبی، ۱۳۸۰: ۱۴۷)

از واج‌آرایی در ۳۱ بیت استفاده شده است.

## ۶- مناظره

صیغه‌های اول شخص، دوم شخص و سوم شخص مفرد از مصدر «گفتن» در ابتدای مصراع‌هاست. به عبارت دیگر مناظره که از انواع ادبی به شمار می‌آید، خود جلوه‌ای از تکرار واژه است. اوج تکرار در سؤال و جواب است. (شمیسا، ۱۳۸۱: ۸۷)

ما خویش ندانستیم، بیداریمان از خواب  
گفتند که بیـــــدارید، گفتیم که بیـــــداریم

(منزوی، ۳۱۸۷: ۲۷)

مناظره در ۵ بیت کاربرد داشته است.

## ۷- تسمیط

گروه گروه کردن بود، بدین جایگه معنی وی چنان بود که شاعر بیتی گوید و هر بیتی را از وی چهار قسم کند یا بیشتر و

همه قسم‌ها بر یک وزن تا آخر و همه به سجع مگر بخش قافیه که برابر بود و رَوی مختلف. (رادویانی، ۱۳۶۲: ۱۰۴)

یا بدان قافیه میانی گویند و در میان مصراع‌های یک شعر می‌آید، یعنی شاعر به جر قافیه پایانی قافیۀ دیگری را در میان مصراع‌ها به کار می‌برد. آنچه که باعث ایجاد موسیقی و گوش‌نوازی می‌گردد این است تا زنگ و طنین خاص قافیه درونی از ذهن خواننده محو نگشته، صوت دیگری با زنگ قافیه اصلی به صدا در می‌آید: کلمات جاری و رگباری قافیه درونی بیت زیر را تشکیل داده‌اند.

با این تپش جاری، تمثیل من است آری این بارش رگباری، بر شیشیه دکان‌ها

(منزوی، ۱۳۸۷: ۱۰۵)

نکته دلکشی که در این هنر، توجه خواننده را بیشتر به خود جلب می‌کند، یک نوع جوشش و غلیان و بی‌خودی است که گویی در شاعر وجود داشته و آن را به خواننده سرایت می‌دهد و او را با خود همراه می‌کند. از ویژگی‌های دیگر این اشعار سیلان طبیعی مفاهیم است. به طوری که گویی شاعر بدون تأمل و تفکر با حالتی ناخودآگاه این اشعار را سروده است. منزوی غزل را در وزنی سنگین سروده است و با استفاده از آرایه تسمیط در برخی ابیات آن، امکان تنفس در میان خواندن مصراع‌ها به خواننده داده است. منزوی ۶۸ بار از آرایه تسمیط استفاده کرده است.

#### ۸- موازنه

یکی دیگر از عناصر موسیقی‌ساز موازنه است. موازنه که مماثله خوانده شده است آن است که کلمات در دو پاره بیت، دو به دو هم‌سنگ باشند. (کزازی، ۱۳۸۹: ۴۳)

در بیت زیر تکرار کلماتی که زیر آنها خط کشیده شده است با کاربرد آرایه موازنه همراه شده:

در من ادراکی است از تو عاشقانه عاشقانه از تو تصویری است در من جاودانه جاودانه

(منزوی، ۱۳۸۷: ۳۳)

نکته قابل توجه این است که در بیت بالا شاعر به چند شیوه از روش تکرار استفاده کرده است. چنان که می‌بینیم موازنه با تکرار واژه در آغاز یا پایان مصراع‌ها (عاشقانه، عاشقانه و جاودانه جاودانه) همراه شده است. شاعر از این آرایه در ۱۸ بیت استفاده کرده است.

#### ۹- ردالقافیه

آن است که قافیه مصراع اول مطلع قصیده یا غزل را در آخر بیت دوم تکرار کند، به طوری که موجب حسن کلام شود. (همایی، ۱۳۹۱: ۷۲) منزوی در ۱/۶۰ درصد از ابیات خود از ردالقافیه و قافیه‌ای که در مصراع اول آورده است در مصراع چهارم هم به سراغ آن قافیه رفته است یا قافیه را در مصراع اول و آخر قافیه کرده است. منزوی معمولاً وزن و قافیه و سایر ملزومات شعر را فدای زیبایی می‌کند. (شریفی، ۱۳۹۱: ۶۱)

ای لخته لخته خونت نطع شهادت تو وز سوده‌های خا شاک تاج سیادت تو

ای دست انتخابت بر سینه کتابت از سرب و خون نوشته حکم شهادت تو

(منزوی، ۱۳۸۷: ۱۰۲)

ردالقافیه ۵۷ بار کاربرد داشته است.

انواع آرایه	بسامد ابیات	درصد
تسمیط	۶۸	۳۴/۶۹
ردالقافیه	۵۷	۲۹/۰۸
واج آرایی	۳۱	۱۵/۸۱
طرد و عکس	۲۳	۱۱/۷۳
موازنه	۱۸	۹/۱۸
مناظره	۵	۲/۵۵
جمع	۱۹۶	٪۱۰۰

### ۱۰ - جفت‌های گردان

قبل از طرح این بحث لازم است برای مقدمه در باره اصطلاح «جفت‌های گردان» که برای یکی از ویژگی‌های شعر منزوی انتخاب شده است، توضیح کوتاهی بدهم. جفت‌های گردان عبارتند از عناصری که همیشه به صورت دوتایی در یک بیت حضور پیدا می‌کند و نوعی ارتباط منطقی (چه معنایی و چه لفظی) بین آنها برقرار است و از طریقی داریم در بیت‌های مختلف تکرار می‌شوند. گاهی اوقات این جفت‌ها به صورت متضاد ظاهر می‌شوند و در غزل‌های منزوی فراوان به کار رفته است و منجر به ایجاد نوعی نظم در غزل و به وجود آمدن پیوندهای مستحکم در بافت شعر می‌شود. در واقع این شگرد موجب ایجاد موسیقی و آهنگ در شعر می‌شود و زیبایی شعر را دوچندان می‌کند. پس گمان می‌کنم دلیل این نام‌گذاری مشخص شده باشد «جفت» به این علت گفته شده که این عناصر دوتا دوتا در بیت‌ها دیده می‌شود و «گردان» به این علت گفته‌ایم که آنها مرتب در جاهای مختلف تکرار می‌شوند. برای روشن‌تر شدن بحث مثالی می‌زنیم. یکی از جفت‌های گردان در شعر منزوی که اتفاقاً بسامد فراوانی هم دارد جفت متضاد «بهار و خزان» است. یعنی در بیشتر ابیات منزوی هر جا که بهار حضور داشته باشد، می‌توان «خزان» را هم دید و برعکس. اگر خوانندگان شعر منزوی یک اشرف کلی به سنت‌های ادبی شعر او داشته باشند، بر مبنای آنها می‌توانند روابط حاکم بر اجزای بیت‌های او را بهتر درک کنند و در نتیجه می‌توانند سریع‌تر و راحت‌تر به معنای آن بیت‌ها پی ببرند.

در این بخش جفت‌های گردان متضاد به ترتیب حروف الفبا مطرح می‌شود:

الف		ت	س		فرشته	شیطان
آب	آتش	تازه	کهنه	سره	ناسره	فراز
آغاز	انجام	تلخ	شیرین	ستمکار	مظلوم	ق
آفتابی	بارانی	تهی	لبریز	سرما	گرما	قدیم
ابتدا	انتها	خ		سود	ضرر	قهر
ازل	ابد	خاص	عام	سوغ	سور	ک
اسیر	آزاد	خشمگین	خندان	ش		کفر
اوج	حضیض	خروشی	خاموشی	شادی	غم	گ

ب	خشک	تر	شب	روز	کرم	سرد
بالا	پایین	خندان	شاداب	شراب	شَرنگ	م
بسته	گشاده	خوب	بد	شکر	شکایت	مخالف
بیگانگی	آشنا	خوش خیم	بدخیم	ص	مشکل	آسان
بهار	خزان	د	صواب	ناصواب	مرد	زنده
بهشت	دوزخ	داد	ستد	ط	مهر	فهر
بیدار	خواب	درون	برون	طلوع	میمنه	میسره
بیم	امید	دوست	دشمن	ع	ن	
پ		دیر	زود	عشق	عشق	ناپاکی
				حقیقی	مجازی	پاکی
پرسناره	بی ستاره	دیو	فرشته	عقل	عشق	نشیب
پیاده	سواره	رفتن	برگشتن	غ	نور	ظلمت
پیر	جوان	ز	غریبه	آشنا	و	
پیدا	پنهان	زشت	زیبا	ف	وداع	سلام
پیش	پس	زیر	بم	فراق	وصال	فراق

#### بسامد جفت‌های گردان متضاد

آب و آتش (۶ مورد) ابتدا و انتها (۱۳ مورد)، ازل و ابد (۲ مورد)، بالا و پایین (۷ مورد)، بیم و امید (۴ مورد)، بهار و خزان: (۳۰ مورد)، بیدار و خواب: (۱۳ مورد)، پیدا و پنهان (۴ مورد)، پیر و جوان (۷ مورد)، شادی و غم (۱۶ مورد)، شب و روز (۱۶ مورد)، مرده و زنده (۱۰ مورد).

#### جفت‌های گردانی که متضاد نیستند

آئینه و خشت، جام و گل، سنگ و آینه، سنگ و شیطان، غنچه و گل، لیلی و ابن‌السلام، یوسف و یعقوب، انال‌حق و منصور، دریا و دل، سنگ و قدح، شوکران و شکر، فرهاد و شیرین، لیلی و مجنون، اسب و اصل، چراغ و دزد، سیم‌رغ و اسفندیار، صبح و شب، فرهاد و بیستون، ماه و آینه، پرنده و فقس، رستم و سهراب، عاشق و معشوق، فرهاد و تیشه، منصور و دار، سقراط و شوکران، ساحل و دریا، شیشه و سنگ، غروب و طلوع، کلید و قفل، یوسف و پیراهن.

#### جدول کلی جفت‌های گردان

انواع جفت‌های گردان	بسامد	درصد
جفت‌های گردان متضاد	۱۲۷	۸۰/۸۹
جفت‌های گردان نامتضاد	۳۰	۱۹/۱۱
جمع کل	۱۵۷	٪۱۰۰

#### ۱۱ - تکرار واژه از نظر نحوی

دشواری‌ترین آشنایی‌زدایی آن است که در نحو زبان رخ دهد، زیرا امکانات نحوی هر زبان و حوزه اختیار و انتخاب نحوی

به یک حساب محدودترین امکانات است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۱: ۳۰)

یکی از عوامل برجسته‌سازی جابه‌جایی کلمات است. جابه‌جایی نقش عناصر سازنده زبان در مبحث «جانشین‌سازی نحوی» می‌گنجد. در بیت زیر دریا و چشم در مصراع اول نهاد و در مصراع دوم متمم می‌باشد. منزوی با استفاده از این جابه‌جایی‌ها متن را برجسته می‌کند.

دریای شور انگیز چشمانت چه زیباست      آنجا که باید دل به دریا زد همین جاست

(منزوی، ۱۳۸۷: ۲۲)

چشم تو با اندوه، زیبا نیست      اندوه در چشمم تـو و ویران بـباد

(همان: ۳۲۲)

یا در این بیت، چشم در مصراع اول نقش مضاف‌الیه و در مصراع دوم نقش متمم دارد.

شراب چشم‌های تو مرا خواهد گرفت از من      اگر پیمان‌های از آن به چشمانم بنوشانی

(همان: ۳۵)

یا این دو واژه - که پشت سر هم تکرار شده‌اند - در نقش متمم به کار رفته‌اند:

من با تو از هیچ، از هیچ توفان هراسی ندارم      ی ناخدای وجود من ای از خدایان خداتر

(همان: ۲۳)

## ۱۱ - ۱ - ردیف

تکرار در شعر کلاسیک بیشتر به صورت استفاده از قافیه و ردیف نمود یافته است و به خصوص ردیف نماد کامل تکرار در شعر کلاسیک است. ردیف، تکرار یک یا چند کلمه هم‌معنی بعد از قافیه است. (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۳: ۱۱۶) ردیف گونه‌ای از تکرار است که بسیاری از شاعران از آن بهره برده‌اند و در ادب هیچ زبانی، به وسعت شعر فارسی نیست. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۱: ۲۲۱) تکرار ردیف‌ها از لحاظ زیبایی به منزله حاشیه‌های قالی عمل می‌کنند. معمولاً ردیف‌ها هم‌معنی هستند. مخصوصاً اگر اسم یا صفت باشند. ولی وقتی فعل شدند ممکن است در دو معنی ظاهر شوند. مانند: «است» در غزل ۳۴۴.

باز مستی و بیدار خوابی است      باز هم رنگ خونم شرابی است

(منزوی، ۱۳۸۷: ۱۲۰)

«است» در مصراع اول به معنی «آمد و وجود دارد» و جمله فعلیه است اما «است» در مصراع دوم فعل ربطی است و جمله

اسنادی است و به معنی «می‌باشد» آمده است. این از عیوب کار نیست.

تکرار ردیف در ادبیات عرب و غرب کاربرد ندارد. ردیف از مختصات ادب فارسی است و شاعرانی چون حافظ (۹۸٪) و

مولوی (۹۰٪) و سعدی (۸۵٪) درصد شعرشان ردیف دارند. (شریفی، ۱۳۹۱: ۶۰-۵۹)

ردیف از زیرمجموعه‌های غزل‌های فارسی و موسیقی کناری است که در تکمیل موسیقی قافیه و وزن اهمیت فراوانی دارد.

در حدائق‌السر در تعریف ردیف آمده است: «کلمه‌ای باشد یا بیشتر که بعد از حرف «رَوی» آید در شعر پارسی». (وطواط،

۱۳۶۲: ۷۹) تأمل در غزلیات منزوی نشان می‌دهد که از مجموع ۴۳۶ غزل وی، ۲۵۲ غزل دارای ردیف است یعنی دقیقاً ۵۷/۵۶

درصد از مجموع غزلیات ایشان. از این تعداد ۱۶۰ غزل دارای ردیف فعلی، ۳۷ غزل ردیف ضمیری، ۳۳ غزل ردیف اسمی، ۱۵

غزل ردیف جمله‌ای، ۱ غزل ردیف صفتی، و ۱ غزل دارای ردیف مصدری می‌باشد.



### الف) ردیف فعلی (ربطی و تام)

از میان غزلیات منزوی بیش از نیمی از اشعار دارای ردیف هستند. این الزام ردیف خود تکمیل‌کننده موسیقی شعر است. تعداد ردیف‌های فعلی که با افعال ربط ساخته می‌شود، بیشتر از بقیه است و نشان می‌دهد که منزوی سادگی و سهولت زبان شعری قرن‌های نخستین را در نظر داشته است. اکثر این ردیف‌ها با افعالی از مصادر «استن، بودن، آمدن و شدن» ساخته شده است.

در بررسی ردیف‌های فعلی، مشخص شد که در غزلیات منزوی افعال تام (۹۳ مورد) تقریباً یک و نیم برابر افعال ربطی (۶۳) هستند. لذا می‌توان گفت که افعال تام حرکت و پویایی بیشتری دارد. جهت اختصار از آوردن ردیف‌های فعلی صرف‌نظر کرده‌ایم.

### ب) ردیف جمله‌ای

هدف اصلی منزوی از آوردن این گونه ردیف‌ها، علاوه بر ادعای شاعری و مفاخره می‌تواند گویای انگیزه یا پرورش و تکرار اندیشه‌ای باشد. نقش این گونه ردیف‌ها در رساندن و القای آن حس و حالی که وجود شاعر را تصرف کرده است و بر او سایه افکنده، بسیار مؤثر واقع می‌شود و خواننده را قدمی به درون و احساس شاعر نزدیک‌تر می‌کند، ضمن این که ممکن است این حس و حال وجود خواننده را سرشار سازد.

تو خواهی آمد و آواز با تو خواهد آمد      پرنده و پر پرواز با تو خواهد آمد

(منزوی، ۱۳۸۷: ۱۳۳)

تکرار «با تو خواهد آمد» نشانه رضایت و خشنودی او از جهات گوناگون است

این بار که می‌آیم (۱۹۳) کسی نشناخت (۱۹۷) دلم گرفته برایت (۲۰۰) می‌شود امشب (۲۱۱) سلام ای عشق (۲۱۹) سخن مگو (۲۵۹) از تو پر شد: (۲۶۲)، به چند است: (۲۶۶)، گریه می‌کند (۲۹۱) که گفته‌اند این است: (۳۸۳) فرود آمد (۴۳۲) چه می‌بینی (۴۸۴) ببخش مرا (۵۳۹)

### پ) ردیف اسمی

ردیف‌های اسمی در غزل‌های منزوی بسیار اندک است. اکثر این ردیف‌ها با کلمه «دوست» ساخته شده است که این خود نشان‌گر اهمیت و ارزش والای «دوست» نزد منزوی است. هم‌چنین با کلمه‌های رفیق، سلام، امشب و مادر ردیف ساخته است.

ای غرقه به خون، پیرهن سبز تن دوست      وی بیرق گلگ-ون برافراخت-ن دوست

(همان: ۹۸)

دوست: (۲۳۲، ۲۳۹ و ۵۰۶)، غزل: (۳۹۱)، رفیق: (۴۹۳) سلام: (۵۱۴)، امشب: (۵۲۲)، مادر: (۵۴۸)،

منزوی از ترکیب حرف ندا با اسم ردیف ساخته است: ای عشق: (۱۰۷، ۳۰۶) ای یار: (۲۰۱) ای یار: (۲۳۱) ای زن (۳۵۸)

ای دل: (۴۹۷)، ای دوست: (۵۰۰)، ای دل: (۴۹۷)، این زمان: (۱۳۶)

### ث) ردیف ضمیری

دوباره راه غنا می‌زند ترانه من      دوباره می‌شکند شعر عاشقانه من

(همان: ۳۱)

من: (۱۹ مورد)، تو: (۲۵ مورد).

### ح) ردیف صفتی

ای بوسه‌ات شراب و از هر شراب خوش‌تر      ساقی اگر تو باشی، حالم خراب خوش‌تر

(همان: ۳۲۵)

### خ) ردیف حرفی

چگونه باغ تو باور کند بهاران را      که سال‌ها نچشیده است طعم باران را

(همان: ۲۸)

### چ) ردیف مصدری

گفتی که عشق، گفتم از جان و تن گذشتن      گفتی که وصل، گفتم از ما و من گذشتن

(همان: ۳۳۰)

گاهی منزوی کلمه به کار رفته در آغاز بیت را به عنوان ردیف می‌آورد و با تکرار آن بر اندوه نشسته بر روح خویش تأکید می‌کند. تکرار لفظ، می‌تواند نشان‌دهنده طبیعی عواطف از قبیل تعدد، کثرت یا شدت باشد. اهمیت و زیبایی این نوع تکرار در رابطه طبیعی میان لفظ و معنای آن است. (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۳: ۱۸)

بین چگونه غمت پشت من شکست بین      غروبوار طلوعم به خون نشست بین

به سان آدمک برف از تب خورشید      چگونه آب شده می‌روم ز دست بین

علاوه بر مطلبی که در بالا ذکر شد یکی از کارکردهای این نوع تکرار می‌تواند بیان دوام عمل یا حالتی باشد که شاعر از آن حرف می‌زند، شاعر از طریق تکرار است که می‌تواند تداوم و استمرار امری را به مخاطب القا کند. این تداوم با تکرار فعل، بیشتر نمود یک ساختار کلامی، این فعل است که بار اصلی معنا و احساس را بر دوش دارد. (علی‌پور، ۱۳۷۸: ۸۹) بنابراین تکرار فعل در شعر علاوه بر زیبایی‌آفرینی، تأکید بر تداوم استمرار عمل یا حالتی را نیز القا می‌کند. (روحانی، ۱۳۹۰، ۱۶۲)

### جدول کلی انواع ردیف‌ها

انواع ردیف	بسامد	درصد
ردیف فعلی	۱۶۰	۵۳/۴۹
ردیف ضمیری	۳۷	۱۴/۶۸
ردیف اسمی	۳۳	۱۳/۰۹
ردیف حرفی	۱۶	۶/۱۰
ردیف جمله‌ای	۱۵	۵/۹۶
ردیف صفتی	۱	۰/۳۹
ردیف مصدری	۱	۰/۳۹
جمع کل	۲۵۲	٪۱۰۰

### ۱۱- ۲- ضمیر

در شعر منزوی تکرار ضمیر به ویژه ضمیر شخصی منفصل، فراوان دیده می‌شود. از میان این ضمائر، ضمیر «تو» و «من» بیش از بقیه ضمائر تکرار شده است که با فضای عاشقانه و توصیف زیبایی معشوق و احوال عاشق متناسب است:

با من بیا، با من بمون، نذار که تنها بمونم      نذار که خونه دلم دوباره تنگ و تار بشه

(همان: ۴۵)

### ۱۱- ۳- تکرار حرف اضافه

تکرار انواع حرف اضافه (از، با، در، به، بر، چون و تا) نیز با بسامد بالا در شعر وی دیده می‌شود:  
به تماشای تو از خویش برون تاختم اما زودم از دیده چنان شادی ایام گذشتی

(همان: ۳۸)

### ۱۱- ۴- تکرار حرف ربط

تکرار حرف ربط (و و که) و با بسامد کمتر «اگر، نه، را، یا» در تکرارهای نحوی منزوی جایگاه خاصی دارند:  
ای که گمنام رسیدی و گمنام گذشتی تو که بودی که شتابان و بی‌آرام گذشتی

(همان: ۳۸)

### ۱۱- ۵- تکرار صفت

در ابیات مورد بررسی تکرار صفت پیشین (این، چنان، چنین) و صفت پرسشی (چه) صفت مبهم (هیچ و همه) و تعجیبی (چه) را می‌توان دید. این صفت بیان‌گر حیرت شاعر در برابر زیبایی معشوق است  
حماسه‌ای است که می‌آید این صدا از کیست؟ از آن کیست اگر این صدا از آن تو نیست

(همان: ۴۳)

### ۱۱- ۶- تکرار قید

عشق گاهی زندگی ساز است و گاهی زندگی سوز تا پریزاد من از بهر کدامین خواهد آمد

(همان: ۶۱)

### ۱۱- ۷- تکرار حرف ندا

ای زادنم ابتدای عشقت وی مردنم انتهای عشقت

(همان: ۵۱)

### ۱۱- ۸- تکرار ادات جمع

همیشه در همه آینه‌ها غبارینم مگر در آینه‌های زلال چشمانت

(همان: ۵۵)

تکرار واژه از نظر نحوی	بسامد	درصد
ضمیر	۷۸	۲۰/۵۸
صفت	۷۵	۱۹/۷۸
حرف اضافه	۶۲	۱۶/۳۵
صفت	۵۲	۱۹/۷۲
حرف ربط	۴۲	۱۱/۰۸
ادات جمع	۴۱	۱۰/۸۱

حرف ندا	۲۹	۷/۶۵
جمع کل	۳۷۹	٪۱۰۰

## ۱۲- تکرار واژه از نظر علم معانی

### ۱۲- ۱- تکرار مسند

کنایت بر فراز دار زد، جان بازی منصور که اوج این است، این، در عشق بازی با فشردن را

(همان: ۱۵۲)

این نوع تکرار در ۲۶ بیت یعنی ۰/۷۰ درصد به کار رفته است.

### ۱۲- ۲- تکرار مسندالیه

دل به چه خوش می‌کند پس از تو دگر صحرا چشم تو ته مانده شراب غزالان است

چشم تو گویا دریچه‌ای است به تنهایی کاین همه مبهوت و رازدار و هراسان است

(همان: ۷۲)

این نوع تکرار در ۲۴ بیت یعنی ۰/۶۵ درصد به کار رفته است.

در این بخش تکرار جنبه توضیحی و تعریفی پیدا کرده است به گونه‌ای که قصد شاعر تنها توضیح و تبیین مطلبی است که قصد دارد با این نوع تکرار به هدف خود دست یابد. منزوی با تکرار، به خوبی به تفسیر و توضیح کلمات «چاه» «سوار» و «زن» پرداخته است و در این خصوص به صورتی عجیب نظریه‌پردازی می‌کند و تمام زوایای آن را توضیح می‌دهد.

## ۱۳- تکرار واژه از نظر علم بیان

### ۱۳- ۱- کلمات مکرر در قالب کنایه

ترکیب کنایی دل سپردن

چون دل نسپارم به تو با این همه حسنت من جان و دلم پیش توست ای دوست نه سنگم

(همان: ۱۰۱)

نمونه‌های دیگر: پرده برانداختن (۲۳۲) لب تر کردن (۲۹۲) داغ داشتن (۳۰۱) دل پرزدن (۳۰۲)، آب بر آتش زدن (۳۴۱) راه نفس بستن (۴۱۴) دل آزرده شدن (۴۲۵).

### ۱۳- ۲- واژه‌های مکرر در قالب انواع استعاره

دریای شورانگیز چشمانت چه زیباست آن‌جا که باید دل به دریا زد همین جاست

(همان: ۲۲)

دل به دریا زدن (۲۰۴:۲) (۲۰۵:۲) (۳۷۴:۲)

گل من، گل‌عذار من، که حتی عطر نام تو خزان را می‌رماند از حریم باغ تنه‌ایم

(همان: ۵۵)

گل استعاره مصرحه مجرده از معشوق

### ۱۳-۳- تشخیص

تشخیص عبارت است از جان بخشیدن به اشیا و طبیعت. به این صورت که برای آنها خصوصیات انسانی در نظر گرفته شود. تشخیص یکی از روش‌های مهم ارائه تصاویر زیبا زنده و پویاست. البته جان‌بخشی به تصاویر و اشیا تنها از طریق انتساب آنها به خصوصیات انسانی شکل نمی‌گیرد، گاه تکرار و خلق مضامین گوناگون گرد محور یک کلمه و تصویر، چنان برجستگی به آن می‌بخشد که آن تصویر یا کلمات، به تدریج جان می‌گیرد و تشخیص می‌یابد. تکرار در پیرامون کلمه یا عبارت مکرر، طیف‌های مختلف ایجاد می‌کند که به تدریج بر هم منطبق می‌شود و در کانون خود کلمه‌ای مکرر را شخصیتی زنده و پرتحرک می‌نمایاند. (روحانی، ۱۳۹۰: ۱۵۹)

رنج گرانم زا به صحرا می‌دهم، صحرا نمی‌گیرد / اشک روانم را به دریا می‌دهم، دریا نمی‌گیرد

(منزوی، ۱۳۸۷: ۵۵)

تکرار تشخیص در ۳۸ بیت یعنی ۱/۰۳۴ درصد به کار رفته است.

### ۱۳-۴- کلمات مکرر در قالب انواع تشبیه

چه شیوه پر زدن است، آن اثیر پری وار / پرنده بود ولی چون پرنده‌ها نه می‌آمد

(همان: ۴۴)

این نوع تکرار در ۴۶ بیت یعنی ۱/۲۵ درصد به کار رفته است.

### ۱۴- تکرار واژه از دید سبک‌شناسی

از دیدگاه سبک‌شناسی تکرار کلمه می‌تواند بیان‌گر سبک شخصی باشد. برای نمونه در شعر حافظ کلمات رند، قلندر، پیرمغان مغ، مغ‌بچگان، و... یا مفاهیم زهد ستیزی، طنز، انتقاد، مبارزه با متصوفان، عشق‌گرایی، عرفان، تقابل عقل با عشق، از شاخصه سبکی اوست. از میان صناعات ادبی «ایهام» را شاخص شعری او برآورده‌اند. همچنین تکرار کلمه «آینه» در شعر بیدل دهلوی سبب شده است تا او را «شاعر آینه‌ها» بخوانند. منزوی با تکرار پربسامد، برخی از کلمات را به نام خود ثبت کرده است. از جمله این کلمه‌ها «عشق»، «چشم»، «عاشق» و «بوسه» می‌باشد.

عشق، عاشق، چشم و بوسه خمیرمایه غزلیات منزوی و مایه تشخیص او شاعر برای برجسته کردن یک کلمه یا مضمون با تکرار آن در ابیات مختلف شعر، آن را مهم‌تر جلوه می‌دهد. تکرار باعث تمرکز بیشتر روی یک موضوع خاص می‌گردد و به نوعی به برجسته‌سازی آن کمک می‌کند. البته باید توجه کرد که موقعیت قرار گرفتن کلمه یا عبارت تکرار شونده نیز از اهمیتی خاص برخوردار است، به عبارت دیگر میزان برجسته‌سازی به محل قرار گرفتن آن واژه و عبارت بستگی دارد و قرار گرفتن آن در وسط، ابتدا یا انتهای کلام در میزان برجستگی کلام مؤثر است. (روحانی، ۱۳۹۰: ۵۷)

در شعر منزوی کلماتی هستند که همواره برجسته هستند. برای نمونه کلمه‌هایی چون «عشق»، «عاشق»، «بوسه» و «چشم» و این کلمه‌ها در شعر او کاربرد چشم‌گیری دارند.

حسین منزوی در اشعارش ۴۸۹ بار از واژه «عشق» یعنی ۱۳/۳۱ درصد و ۱۵۲ بار از «چشم» یعنی ۴/۱۳ درصد و ۵۵ بار از واژه عاشق یعنی ۱/۴۹ درصد و ۶۱ بار از کلمه «بوسه» یعنی ۱/۶۶ درصد استفاده کرده است. وی زندگی بدون عشق را با مرگ

یکی می‌داند و عشق را اساس و بنیان حیات می‌داند. هم‌چنین عشق را جاودان و ازلی می‌داند. به همین علت بسامد واژه «عشق و عاشق» در شعرش بسیار زیاد است.

او عشق را چون گل جادویی می‌پندارد که هیچ‌گاه پژمرده نمی‌شود:

قصه یاد تو و عشق من است، آری قصه آن گل جادو که نمی‌پژمرد

(منزوی، ۱۳۸۷: ص ۶۱)

درصد	بسامد	عشق، عاشق، چشم و بوسه خمیرمایه غزلیات منزوی
۶۴/۵۹	۴۸۹	عشق
۲۰/۰۷	۱۵۲	چشم
۱۰/۶۰	۶۱	بوسه
۷/۲۶	۵۵	عاشق
%۱۰۰	۷۵۷	جمع

#### ۱۵\_ کاربرد کلمات پر بسامد به صورت متقابل

تقابل سنگ و آینه

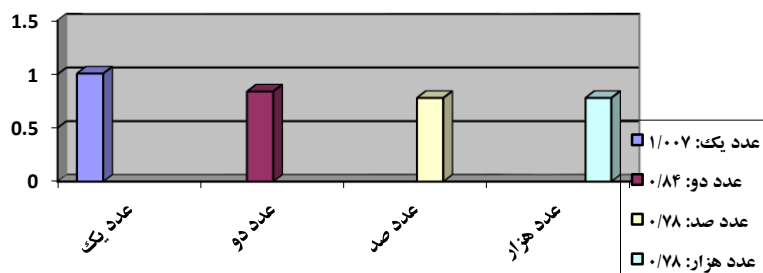
ای که به خشم کرده‌ای قصد دل من، این مکن / سنگ مزن بر آینه، آینه مشکن، این مکن

(همان: ۱۷۳)

نمونه‌های دیگر: سنگ و آینه (۴۵۱:۱) (۴۸۱:۱) سنگ و سبو (۲۱۸:۱۱) سنگ و شیشه (۳۲۱:۱) (۴۷۵:۱) در بیت فوق شیشه و سنگ در مصراع اول و دوم تکرار شده است. دل، شیشه است و اندوه، سنگ. تقابل دل و اندوه مانند تقابل سنگ و شیشه حالت شکنندگی دارد. همان‌طور که سنگ می‌تواند شیشه را بشکند، اندوه متقابلاً می‌تواند دل را بشکند و شخص را افسرده نماید. جالب‌تر آن که در مصراع دوم با آرایه عکس گفته که سنگ معشوق به جنگ شیشه بی‌طاقت عاشق - که هر لحظه در حال شکستن است - آمده است.

#### ۱۶\_ استفاده از اعداد

عدد یک (مورد ۳۷) عدد دو (مورد ۳۴) عدد سه (مورد ۳) عدد چهار (مورد ۶) عدد پنج (مورد ۱) عدد شش (مورد ۱) عدد هفت (مورد ۴) عدد چهل (مورد ۳) عدد هفتاد (مورد ۳) عدد سی (مورد ۱) عدد صد (مورد ۲۷) عدد هزار (مورد ۲۸)

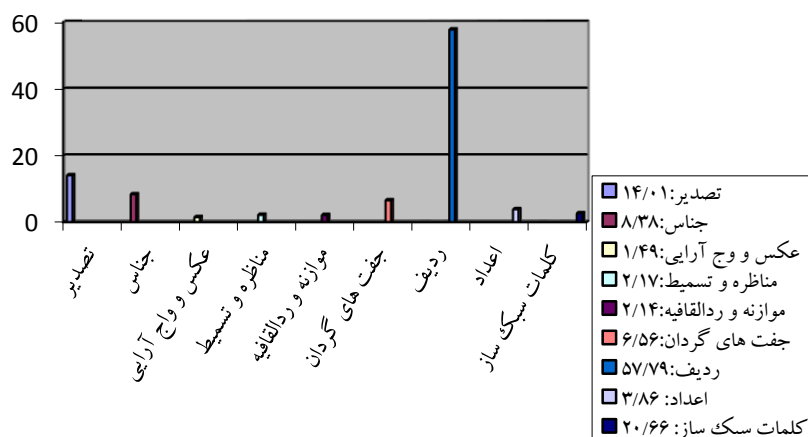




## نتیجه

چنان‌که دیدیم شاعران هر قدر در حوزه زبان و واژگان تسلط بیشتری داشته باشند، ابزار آفرینش‌های هنری بیشتری در اختیار دارند. منزوی از این تسلط خود به شیوه‌ای بسیار هنرمندانه بهره برده است و بیشتر آرایه‌هایی که می‌توانسته‌اند مضمونی بیافرینند یا سخن را بیارایند، به فراوانی در اشعار خود به کار گرفته است و مشخص شد که عنصر سازنده همه آرایه‌های لفظی تکرار واک‌هاست که بسیاری از آنها با توجه به ویژگی‌های کاربردی، نام‌هایی چون جناس، تکریر، اشتقاق، قلب، تصدیر، تسمیط، موازنه، ترصیع و... یافته‌اند و گروهی از آنها هم‌چنین بی‌نام باقی مانده‌اند، در حالی نقش اساسی آنها در آرایش سخن، انکارناشدنی است. نهایت این که تکرار فراوان هر کدام از واج‌های صامت و مصوت در ابیات، همراه با پسوند شگفت‌انگیز و در هم بافته مضامین و مفاهیم، چهره منزوی را به عنوان شاعری توانا و چیره بر زبان، نوشتار و مفاهیم متنوع آنها به نمایش می‌گذارد.

می‌توان بدین نتیجه رسید که بسامد بالای کلمات در غزلیات منزوی یعنی ۷۵/۹۸ درصد باعث تشخیص ایشان گردیده و او را به عنوان یک شاعر صاحب سبک معرفی نموده است.





## منابع و مآخذ

- ۱ - حافظ، شمس الدین محمد. دیوان غزلیات. به تصحیح قزوینی - غنی. تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۶۷.
- ۲ - خسروی، حسین، «سبک شعر رودکی»، مجله زبان و ادبیات فارسی واحد فسا، شماره ۱، ص ۶۷ - ۹۵. بهار ۱۳۸۹.
- ۳ - رجایی، محمدخلیل. معالم البلاغه. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز، چاپ سوم، ۱۳۵۹.
- ۴ - روحانی، مسعود، «بررسی کارکردهای تکرار در شعر معاصر»، مجله بوستان ادب، شماره ۲، ص ۱۴۵ - ۱۶۸، ۱۳۹۰.
- ۵ - رودکی، جعفر بن محمد. دیوان شعر رودکی. به تصحیح جعفر شعار. تهران: انتشارات قطره، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
- ۶ - شریفی، فیض. شعر حسین منزوی از آغاز تا به امروز. تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۹۱.
- ۷ - شفیعی کدکنی، محمدرضا. موسیقی شعر. تهران: انتشارات آگاه، چاپ ششم، ۱۳۷۹.
- ۸ - رازی، شمس قیس. المعجم فی معاییر اشعار العجم. به تصحیح قزوینی، مدرس رضوی. تهران: زوار، چاپ سوم، ۱۳۶۰.
- ۹ - شمیسا، سیروس. کلیات سبک‌شناسی. تهران: انتشارات فردوس، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۱.
- ۱۰ - \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، معانی. تهران: انتشارات میترا، ۱۳۸۱.
- ۱۱ - \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، نگاهی تازه به بدیع. تهران: انتشارات فردوس، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۱.
- ۱۲ - عمران‌پور، محمدرضا، «جنبه‌های زیباشناختی هماهنگی در شعر معاصر»، نشریه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۲۵، ص ۱۵۹ - ۱۸۷، ۱۳۸۸.
- ۱۳ - علی مقدم، مهیار. نظریه‌های نقد ادبی معاصر. تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۷.
- ۱۴ - علی‌پور، مصطفی. ساختار زبان شعر امروز. تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۸.
- ۱۵ - قویمی، مهوش. زیباشناسی پاره‌های گوناگون. تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۸۳.
- ۱۶ - کزازی، میرجلال‌الدین. بدیع، زیباشناسی سخن پارسی. تهران: انتشارات مرکز، چاپ هفتم، ۱۳۸۹.
- ۱۷ - محبی، مهدی. بدیع نو. تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۰.
- ۱۸ - متحدین، ژاله، تکرار، ارزش صوتی و بلاغی آن، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۳، ص ۴۸۳ - ۵۳۰، ۱۳۵۴.
- ۱۹ - محمدبن عمر رادویانی. ترجمان البلاغه. به تصحیح و اهتمام احمد آتش. تهران: انتشارات اساطیر، چاپ دوم، ۱۳۶۲.
- ۲۰ - محمدی، محمدحسین، «پژوهش در سبک شخصی سعدی»، مجله بهار ادب، شماره ۳، ص ۳۲۳ - ۳۳۶، ۱۳۹۴.
- ۲۱ - میرزا آقا سردار، نجفقلی. (بی نا). دره نجفی. به کوشش حسین آهی. کتابفروشی فروغی. چاپ یکم.
- ۲۲ - نیکویخت، ناصر؛ بیرانوندی، محمد، «معناشناسی و هویت ساختار در شعر نیما یوشیج»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، شماره ۵، ص ۴۸۳ - ۵۳۰، ۱۳۸۳.
- ۲۳ - وحیدیان کامیار، تقی. بدیع از دیدگاه زیباشناسی. تهران: سمت، ۱۳۸۳.
- ۲۴ - وطواط، رشیدالدین. حدائق السحر فی دقائق الشعر. تصحیح عباس اقبال آشتیانی. تهران: کتابخانه سنایی و مطهری، ۱۳۶۲.
- ۲۵ - همایی، جلال‌الدین. فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: انتشارات هما، چاپ هشتم، ۱۳۷۱.